

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۰۶ نومبر ۲۰۱۸

[پشیمان گشته ای یار]

به افسوس و به حرمان گشته ای یار
ندامت در دلت بسیار داری
تو بودی همچو صبح عید روشن
سینه پوشیده ای از غم سراپا
به هر جا روز و شب افسانه تست
شنیدم روز و شب داری تپایش
میان گلشن خود خار گشتی
دلت از غصه و غم داغ داغ است
به عالم آشکارا کردی خود را
تو مأموری که با دردت بسازی
ندانستی چو قدر وصل ما را
ز چشمت اشک می بارد شب و روز
غرض هرگز نباشد عشق‌ری را
ز کردارت پشیمان گشته ای یار
چو زلف خود پریشان گشته ای یار
کنون شام غریبان گشته ای یار
به حسنت کافرستان گشته ای یار
پر آوازه به دوران گشته ای یار
مثال ماهی بریان گشته ای یار
به دوش خویش تاوان گشته ای یار
شکر گویم چراغان گشته ای یار
ز من روپوش و پنهان گشته ای یار
که بی دارو و درمان گشته ای یار
دچار درد هجران گشته ای یار
ز غم سر در گریبان گشته ای یار
ز یار خود گریزان گشته ای یار